

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

چگونگی موفقیت تاکتیکی ونحوه شکست ستراتیژیک آغازبازی بزرگ بمنظوردستیابی بسود بزرگ و بحران بقا و عواقب آن درکشورما هیچ برنده ای وجود نداشته، بلکه همه بازنده خواهند بود

مسؤل حقوقی جغرافیای افغانستان واستفاده از اهرم های فشار علیه دولت
بررسی چگونگی اشتباهات ستراتیژیک واشنگتن درکشورما
برنامه های بلند پروازانه "طالب"ها برای افغانستان
کشورما محکوم به تکرار گذشته خویش نمی باشد

قبل از همه، تذکر این مسأله درخور اهمیت پنداشته می شود که دواصطلاح ستراتیژی و تاکتیک در دنیای کسب و کار رایج هستند اما برای بهره وری درست از هر کدام، باید دقیق بدانیم که منظور از هر کدام آنها چیست. تفاوت ستراتیژی در مقابل تاکتیک چیست و درک این تفاوت تا چه اندازه مهم است. بمنظور رسیدن به چنین درکی، اجازه دهید درابتدا، تعریف های جداگانه از هر دواصطلاح داشته باشیم. ستراتیژی چیست؟ ستراتیژی رویکرد خاصی است که بمنظوردستیابی به مجموعه ای از اهداف تعیین شده، خود درپیش خواهید گرفت. مایکل پورتر، سه ستراتیژی اصلی را برای هرکسب وکار در نظرمی گیرد که با عنوان برنامه ریزی ستراتیژیک پورتر مورد توجه بسیاری از سازمان ها قرار دارد. یک برنامه ستراتیژیک سندی است کابتدا رویکرد سطح بالایی برای دستیابی با اهداف را ترسیم میکند و متعاقب آن ممکن است جزئیات بیشتری را در مورد اهداف واقعی بیان کند. تاکتیک چیست؟ توجه خواهید نمود که درتعریف بالا از ستراتیژی، هیچ اشاره بآنچه درواقع بمنظور دستیابی با اهداف خود انجام خواهیم داد، نیست. آنجاست که تاکتیک ها وارد عمل می شوند. تاکتیک ها اقدامات خاصی را که بمنظور رسیدن با اهداف خود انجام می دهید، توصیف می کنند. آنها با احتمال زیاد توسط ستراتیژی شما (یعنی رویکرد و اهداف واقعی شما) برنامه ریزی میشوند و اما کاملن مشخص ترمیشوند. آنها نه نتیجه هستند و نه معیارهای موفقیت، بلکه بمثابة اقداماتی پنداشته میشوند که شما را برای رسیدن بیک نتیجه مطلوب و رضایت بخش، یاری می نمایند. برای نخستین بار، ستراتیژی و تاکتیک ها بمثابة اصطلاحات نظامی در حدود ۲۵۰۰ سال پیش مورد استفاده قرار داده شد. در آن زمان برای باور بودند که ستراتیژی بدون تاکتیک، کندترین مسیر پیروزی می باشد، درحالی که تاکتیک های بدون ستراتیژی، سروصدای قبل از شکست است.

بسیاری از دست اندرکاران مسایل مربوط به میهن ما چنین می پندارند که جنگجویان قبلی (اداره کننده های کنونی کشور) درصدد ایجاد و پایه گذاری حاکمیتی مبتنی بر بنیاد اساسات اسلامی بوده که در نوع خود، دارای اصول وقواعد منحصر بفردی میباشد. "طالب"ها اعلام نمودند که آماده اند تا با استفاده از دیا لوگ سازنده با ایجاد سیستم حکومتاری اسلامی، مستقل و آزاد مبادرت ورزند. بگفته آنها چنین سیستمی قادر به حفظ و نگهداری اراضی و قلمرو متعلق به کشور خواهد بود. همچنان، رهبری "طالب"ها اظهار نمودند کاصل انتخابات درکشور به ورشکستگی هایی موجه گردیده و بنابراین نماینده های "طالب"ها از استقرار پایدار و نیرومند "حکومت ناب اسلامی" حمایت بعمل می آورند. بایست خاطر نشان گردد که آنها تأکید بعمل میآورند که هیچگونه سیستم دیگری بااستثنای حاکمیت یادشده، مورد پذیرش آنها قرار نخواهد گرفت. روشن است که نخستین و عمده ترین هدف رهبران "طالب"ها را، اصل برسمیت شناختن حاکمیت آنها از جانب جامعه بین المللی و برداشتن عنوان "سازمان تروریستی" که بر مجموعه "طالب"ها اطلاق می گردد، می باشد. بسیاری ها هم چنین می پندارند که "طالب"ها بحریم کشورهای همجوار، بویژه اگرشهر وندان آنها "مسلمان های متدین باشند"، تهاجم ننموده و تمامیت ارضی آنها را محترم خواهند شمرد. قبل از همه بایست متذکر گردید پس از آنکه نظامیان امریکایی وناتو، خروج شان ازکشورما را آغاز کردند،

وضعیت در داخل کشور به تشنج گرایید. جو بایدن رئیس جمهوری ایالات متحده اظهار نمود که نظامیان کشورش، سرزمین افغانستان را بگونه کاملی ترک خواهند نمود. ناظران امور مربوط به کشور عزیزما چنین می پندارند که وضعیت عمومی در جامعه افغانی بمفهوم وسیع کلمه بویژه در امتداد ماهای پسین بهتر گردیده و شهروندان کشور به زندگی عادی برگشته اند. آنها همچنان ادعا مینمایند که پس از بیشتر از دو ماه در این کشور آسیایی (افغانستان) تغییرات قابل ملاحظه ای بنظر می رسد. اما در این مقطع پرسشی مطرح می گردد کآیا "طالب"ها در صدد ایجاد و پیروی از یک رویکرد سیستماتیک بمنظور هدایت دستگاه رهبری دولت می باشند؟

اما در مورد ایجاد زیرساختها باید بذل مساعی صورت گیرد. نباید فراموش خاطر ما گردد که بر بنیاد گزارش های منابع خبررسانی، نگرانیها در مورد چگونگی زندگی و ادامه حیات شهروندان کشور روبافزا پیش بوده و همه می دانند که در کنار عوامل دیگر، منجمد کردن سرمایه های کشور، روز تاروز اوضاع در مجموعه کشور را با بحران های متعددی مواجه می سازد. ایالات متحده در حدود ۹ میلیارد دلار سرمایه افغانستان را منجمد نموده است. وضعیت در داخل کشور واقعن نگران کننده بوده و حاکمیت "طالب"ها نیز درین بست قرار گرفته است. نبود محبوبیت حاکمیت آنها و عدم برسمیت شناختن رژیم یادشده در جهان بیش از هر زمان دیگری، آینده کشور را در هاله ای از ابهام قرار می دهد.

اما آیا می توان متیقن بود کاهداف "طالب"ها در کشور نامگذاری و مشخص گردیده است؟

در مورد یادشده، مقدم بر همه، باید متذکر گردید که عمده ترین هدف رهبران "طالب"ها، بویژه پس از تصریف قدرت در کشور، اصل برسمیت شناختن آنها در عرصه بین المللی می باشد. آنها قبل از همه در صدد آن می باشند تا در عرصه جهانی برسمیت شناخته شده و برچسب "گروه تروریستی" در مورد آنها بیش از این کاربرد نداشته باشد. آنها متذکر گردیده اعلام نمودند که هیچگاهی بکشورهای همجوار افغانستان تهاجم نموده، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی تمامی کشورها را مورد احترام قرار خواهند داد. اما بسیاری ها هم چنین می پندارند که دیر یا زود، "طالب"ها با چگونگی عملکردهای شان، چهره واقعی خود را آشکار خواهند نمود.

علاوه بر آن، دست اندرکاران امور مربوط بکشور عزیزما و بویژه کارشناسان امور مربوطه در پوهنتون روابط بین الدول مسکو چنین می پندارند که "طالب"ها در صدد ایجاد و شکل گیری رژیمی می باشند که با رژیم حاکم آنها در امتداد سال های ۹۰ سده پاردر کشور همخوانی داشته باشد. اما نباید فراموش نمود با وجود آنکه در وضعیت کنونی، سیاست و نحوه برخورد "طالب"ها به قضایا، در مجموع نرمتر گردیده و اما با آنها، در مجموع ایده های آنها تغییرات قابل ملاحظه ای اصلن بمشاهده نمی رسد.

مدتی قبل، "طالب"ها اظهار نمودند که عمده ترین هدف آنها در وضعیت کنونی عبارت از ایجاد و تشکیل سیستم دولتی مستقل اسلامی در کشور می باشد. از مجموعه اظهارات محمد نعیم، نماینده "طالب"ها، چنین استنباط می گردد که آنها در آرزوی آن نمی باشند تا تمامی قلمرو و اراضی افغانستان را تحت نظارت داشته باشند.

بر بنیاد اطلاعات بنشر رسیده، "طالب"ها در صدد آن می باشند تا بمنظور آرام کردن شهروندان کشور، به ویژه به جامعه جهانی اطمینان های مسالمت آمیزی را القاح نمایند. اما بر بنیاد اخبار بنشر رسیده در وسایل اطلاعات جمعی، متأسفانه تلاشی ها و به زندان افگندن عده ای از افراد و اشخاص در کشور نیز از قوه بفعل مبدل گردید. از جانب دیگر اعلام نمودند که زنان می توانند بگونه مجزا از مردان از فراگیری آموزش و تداوم تحصیلات عالی نیز برخوردار گردند. دیده شود که در این مورد آنها به چه اقداماتی متوسل خواهند گردید. هنوز اظهار نظری در مورد، قبل از موقع میباشد. آنها از موقف زنان در ادارات دولتی دفاع و پشتیبانی نموده، اما تاکنون شاهد اقدام های عملی در زمینه نبوده ایم.

در این بخش، پرسشی ذهن همه را بخود مشغول می نماید و آن اینکه کشور ما تحت حاکمیت "طالب"ها دستخوش چه تغییراتی خواهد شد. بایست یادآور شد که پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها، آنها به تشکیل دولتی مبادرت ورزیده و مخالفان شان را بویژه در پنجشیر قسمن سرکوب نمودند. بمنظور ایجاد تماس ها و تأمین ارتباطاتی با جهان خارج نیز کوشش هایی بعمل آمد. اما مسأله ای که در مورد برسمیت شناختن آنها مطرح بحث می باشد، باید افزود که مدتی قبل، نماینده هایی از چین، روسیه و پاکستان وارد کابل

شدند و اما در سازمان ملل در مورد گماشتن نماینده "طالب" ها در سازمان متذکره تأمل بعمل آمد. مسأله سیاست داخلی "طالب" ها، بیش از هر زمان دیگری سبب ایجاد اضطراب هایی چه در داخل و چه در خارج کشوری گردد. "طالب" ها، خلاف وعده های شان، اعدام ها را مجدداً اجرا نموده و به قطع دست و پای مجرمین نیز مبادرت ورزیدند. کارشناسان این پرسش را مطرح می نمایند کآیا میتوان به سخنان و اظهار نظرهای "طالب" ها باور نمود. پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، سیل مهاجران کشور، بویژه بارویا و کشورهای قاره های دیگر سررازیرگردیدند.

نباید فراموش خاطر مآشود که پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور، آنها در مورد اجرای عملی وعده های بیشمار داده شده به شهروندان کشوروبه جهان و جهانیان، به چه معیاری صادق و وفاداری باشند؟ قابل یاددانهائی پنداشته می شود که "طالب" ها، بویژه بمنظور آرامش خاطر شهروندان کشور، از تضمین های مناسبی یادآوری بعمل آوردند. اما شهروندان کشور می پرسند که چسان جنگجویان به تلاشی ها و بزدان افگندن افراد و اشخاص مورد نظرشان مبادرت می ورزند. آنها بخوبی آگاهند که کی، کی میباشد، کیه با امریکایی ها کارمینمودند، کدام افراد و اشخاص در سازمان های غیردولتی و غیره بکار و فعالیت مشغول بودند. ممکن آنها توسط شخص و یا اشخاصی چنین فهرستی را بدست آورده باشند، آنها در تشکیلات یادشده، خبرچین هایی داشتند که بنفع آنها مصروف خدمتگذاری بودند. گزارش هایی از تعقیب افراد وزندانی نمودن عده دیگر نیز بنشر رسید. از گمان بدور نیست کاقدمات اینچنینی، روزتا روز وسعت و گسترش یابد. اما بمشکل بتوان در مورد چگونگی حوادث ونحوه سیرو قایع در کشور عزیز پیشبینی نمود. چندان بیمورد نخواهد بود واکنش های جامعه بین المللی را در مورد وضعیت کنونی کشور بدانیم. بایست یادآور شد تنها کاری که می توان در زمینه انجام داد، اینست تا بهر طریق ممکن، آنها به تطبیق و اجرای عملی وعده های شان تشویق و ترغیب گردند. در اینمورد عده ای هم چنین اقامه دعوا مینمایند که برای شهروندان کشور، جز انجام مذاکره و گفتگو بمنظور همکاری، گزینه دیگری اصلن موجود نمی باشد. باید در صدد آن باشیم تا آنها را بویژه در عملکردهای مربوط به سیاست داخلی بااعتدال بیشتری متقاعد نمود. بگونه نمونه از طریق گفتگو و مفاهمه، ارائه معاونت های بشردوستانه به شهروندان کشور را فراهم نموده و به فعال شدن دولت در عرصه سیاست خارجی نیز اقدام صورت گیرد. اگر از گفتگو ومفاهمه با "طالب" ها امتناع بعمل آید، آنها از جهان و جهانیان منزوی خواهند گردید، بنابراین، انگیزه ایی بمنظور پیشبرد وتداوم سیاست داخلی کشور موجود نخواهد بود. از رهگذر موضع ایدئولوژیک، "طالب" ها در همان موضعگیری ۲۰ سال قبل دست و پا می زنند. اما آنها در امتداد سال های یادشده، عملگرایی سیاسی را آموخته و خواهان برسمیت شناختن بین المللی حاکمیت شان می باشند.

بمفهوم دیگر، چنین بنظرمی رسد کآنها به پلورالیسم سیاسی چه در داخل کشوروبه در عرصه بین المللی معترف گردیده اند. اما آنها چنین ادعا می ورزند که: خوب است ما می پذیریم که جامعه بین المللی را با همه موازین آن باید برسمیت شناخت و اما از جانب شما هم بایست باین واقعیت گردن نهاده شود که افغان نستان راه و مسیر منحصر بفردش را دنبال می نماید و حق داریم تا به بر بنیاد درک و شناخت افغانی، تداوم مسیر آغاز شده را دنبال نماییم، نه بر بنیاد اصول قبول شده و پذیرفته شده دیگران. آنها همچنان ادعا نموده و تأکید می ورزند که اعتماد به دموکراسی اصلن کم رنگ شده و بویژه در امر پابندی شان به شریعت تأکید بعمل می آورند. از رهگذر فلسفه سیاسی می توان چنین نقطه نظر را قابل تأمل پنداشت. بایست متذکر گردید که "طالب" ها باصل پلورالیسم سیاسی در داخل کشور معتقد نمی باشند. تنها و صرف یک راه بمنظور افغان بودن نزد آنها، شیوه و طرز تعیین شده توسط خودشان می باشد. اگر عده ای از شهر وندان کشور با آنها در بسا موارد موافق نمی باشند، بر بنیاد برداشت آنها، چنین افرادی یا اصلن افغان واقعی نیستند و یا شست وشوی مغزی شده اند. نباید فراموش نمود که در کشور عزیز ما افغانستان، گروه های متعدد و مختلف قومی و مذهبی موجود می باشند که عده ای از آنها از جمله آسیب پذیرترین ها محسوب می گردند.

از جمله مهمترین مسأله قابل تذکر، یکی هم اینکه "طالب" ها از رهگذر وابستگی های ایدئولوژیک، باطرز تفکر و اندیشه های دیوبندیزم که در امتداد سده ۱۹ در شهردیوبند از مربوطات هند بریتانوی شکل گرفت، قرابت هایی بهم رسانیده که در آخرین تحلیل و در نوع خود برای کشور عزیز ما بمثابة سنت گرایی متعصب

بشمارمی آید.

بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده، بتاريخ ۲۰ ماه اکتوبر سالروان، در قالب گفتگوهای مسکو، مشوره هایی بعمل آمد. در مذاکرات یادشده، نماینده هایی از فدراسیون روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند، قزاقستان، قرغیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان نیز اشتراک ورزیدند. جانب ایالات متحده اعلام نمود که درنشست یادشده حضور نمی یابد. هیأت افغانی برهبری امیرخان منقی در مذاکرات یادشده شرکت ورزیدند.

مذاکرات یادشده درحالی درمسکو تدویرگردید که هیچ کشوری تاکنون حاکمیت "طالب" ها درافغانستان را نشناخته است. بحث درمورد وضعیت و شرایط ناگوار اقتصادی کشورما، بخش عمده ملاقات یادشده را تشکیل داده و یادآوری بعمل آمد که پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، بحران اقتصادی سرپای جامعه افغانی را فراگرفته و سرمایه های کشور در بانک های خارج نیز منجمد گردید. طرف های شرکت کننده اذعان نمودند که شرایط و وضعیت اجتماعی - اقتصادی در افغانستان از نقطه نظربشردوستانه، پیش از پیش وخیم گردیده و جامعه بین المللی باید با همه توانشان به شهروندان افغان کمک و معاونت نمایند. بمنظور جمع آوری کمک های مالی، تدویر کنفرانس وگردهم آیی جهانی کشورهای اهدا کننده، تحت حمایت سازمان ملل دردستورروزقرارگرفت. درعین حال، باراصلی تأمین مالی بازسازی اقتصادی افغانستان باید برعهده کشورهای عضو ناتو، از جمله ایالات متحده باشد. بلاخره، تصمیم اتخاذ گردید تا نظامیان کشورهای متذکره و در رأس قوت های جنگی ایالات متحده پس از ۲۰ سال به موجودیت و حضور خویش دراراضی افغانستان خاتمه داده و "طالب" ها نیز متعهد بایجاد وتشکیل دولت فراگیر و دنبال نمودن "سیاست هوشمند" گردیدند.

در نتیجه مذاکرات و گفتگوها، طرف های شرکت کننده، آرزومندی شان درمورد احترام به حق حاکمیت، استقلال وتمامیت ارضی افغانستان رامتعهد شدند.

طرف های شرکت کننده همچنین تأکید بعمل آوردند تا کلیه اقدامات شان را بمنظور تداوم امنیت درکشور ما انجام داده و از هر نوع عملکرد وفعالیت های تروریستی دراراضی وقلمرو مربوط باافغانستان جلوگیری بعمل آورند.

طرف های شرکت کننده همچنان از "طالب" ها تقاضاً بعمل آوردند تا بمنظوربهبترنمودن ومؤثریت دستگاه اداره دولتی، اقدامات سازنده ای را انجام دهند.

بمفهوم دیگر، اقداماتی بمنظور ایجاد و پایه گذاری دولت فراگیری که درآن نماینده های تمامی گروه های قومی و سیاسی کشورحضوریابند، باید ازقوه بفعل مبدل گردد.

در کنار آن اما باید بدانند که با استفاده و بکارگیری از تمامی پوتانسیل های موقعیت جغرافیایی کشور، افغانستان می تواند به نقطه اتصال مسیرهای اقتصادی جهان مبدل گردد.

علاوه برآن، شرکت کننده های نشست یادشده، "طالب" ها را بدنبال نمودن سیاست خای داخلی وخارجی "معتدل ومحتاطانه" تشویق وترغیب نمودند.

در متن بیانیه همچنان براین امر تأکید بعمل آمده تا حاکمیت جدید در کشور، در قبال کشورهای همجوار افغانستان، سیاست های دوستانه ای را دنبال نماید.

یکشنبه ۲ ماه عقرب سال ۱۴۰۰ خورشیدی